

باز کاوی مؤلفه‌های هویت ملی

در شاهنامه فردوسی

دکتر منوچهر دانش‌مهر



انتشارات اطلاعات
تهران - ۱۳۹۷

سرشناسه: دانش پژوهان، منوچهر، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور: باز کاوی مؤلفه‌های هویت ملی در شاهنامه فردوسی / منوچهر دانش پژوهان
مشخصات نشر: تهران: اطلاعات، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری: ۳۲۰ ص.:
شابک: 978-600-435-101-0

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: واژه‌نامه
یادداشت: کتابنامه
موضوع: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ ق. شاهنامه - نقد و تفسیر
موضوع: Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh - Criticism and interpretation
موضوع: ویژگی‌های ملی ایرانی در ادبیات
موضوع: National characteristics, Iranian, in literature
موضوع: هویت در ادبیات
موضوع: Identity (Philosophical concept) in literature
موضوع: شعر فارسی - قرن ۴ ق. - تاریخ و نقد
موضوع: Persian poetry - 10th century - History and criticism
شناسه افزوده: سند اطلاعات
رده‌بندی کنگره: ۱۹۷ د ۹۷/۰۹ PIR۴۴۹۷
رده‌بندی دیویی: ۱۵۱/۲۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۸۴۸۵۱



انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱
تلفن: ۲۹۹۹۳۳۵۵-۶
فروشگاه مرکزی: بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن ۲۹۹۹۳۳۶۸
فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴

باز کاوی مؤلفه‌های هویت ملی در شاهنامه فردوسی

نوشته دکتر منوچهر دانش پژوهان

ویراستار: افسانه قارونی
طراح جلد: رضا گنجی
حروف نگار: مهیاسادات شریعتی
حروف نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات
شماره اول: ۱۳۹۷
شمارگان: ۵۲۵ نسخه

قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۵-۱۰۱-۰ ISBN: 978-600-435-101-0

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. Printed in Iran

فهرست

مقدمه.....	۱۱
بخش اول - کلیات	
فصل اول: مفاهیم بنیادین پژوهش.....	۲۱
ادبیات فارسی.....	۲۱
تأثیر ادبیات بر هویت ملی.....	۲۲
حماسه.....	۲۷
شعر ملی.....	۲۸
فصل دوم: هویت ملی.....	۳۰
هویت.....	۳۰
ویژگی های هویت.....	۳۴
هویت ملی.....	۳۶
فصل سوم: نظریه های هویت ملی.....	۴۳
نقد نظریه ها.....	۴۷
کارویژه های هویت ملی.....	۴۹
ایجاد انسجام و همبستگی ملی در جامعه.....	۴۹
ایجاد آگاهی ملی و جهت دهی به زندگی اجتماعی.....	۵۰
تعیین سازو کارهای فرهنگ سیاسی.....	۵۰

۵۱	فصل چهارم: پیشینه هویت ملی ایرانیان
۶۵	فصل پنجم: مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی
۶۵	هویت فرهنگی
۶۸	عناصر شکل دهنده فرهنگ ایرانی
۶۹	هویت دینی
۷۶	هویت تاریخی
۷۹	اسطوره
۸۱	ریخ
۸۳	هویت جغرافیایی و سرزمین مشترک
۸۸	رابطه هویت ملی و سرزمین
۸۹	هویت سیاسی
۹۴	هویت زبانی
۱۰۱	هویت قومی و نژادی
۱۰۵	هویت اقتصادی

بخش دوه. فردوسی و شاهنامه

۱۱۱	فصل اول: زندگی نامه فردوسی
۱۱۴	فصل دوم: معرفی شاهنامه
۱۱۷	فصل سوم: فردوسی و شاهکار او از نگاه چهار شاهنامه‌پژوه
۱۲۲	فصل چهارم: اهمیت شاهنامه
۱۳۲	فصل پنجم: ضرورت پژوهش در شاهنامه
۱۳۵	فصل ششم: کارکردهای هویتی شاهنامه
۱۳۷	کارکرد نژادی، قومی، سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی
۱۳۸	کارکرد زبانی
۱۳۹	کارکرد دینی

بخش سوم- مؤلفه‌های هویت ملی در شاهنامه

۱۴۳	مقدمه
۱۴۶	فصل اول: هویت فرهنگی

۱۴۸.....	دادگری.....
۱۵۱.....	نامداری و نامجویی.....
۱۵۴.....	خر دورزی.....
۱۵۶.....	شادی.....
۱۵۸.....	فصل دوم: هویت دینی.....
۱۵۹.....	یزدان پرستی و ینش توحیدی در شاهنامه.....
۱۶۳.....	تحلیل شخصیت های شاهنامه از بعد دینی.....
۱۶۴.....	فره ایزد.....
۱۶۷.....	اعتقادات دینی فردوسی.....
۱۶۸.....	دیدگاه شیعی در شاهنامه.....
۱۷۱.....	دینهای مطرح شده در شاهنامه.....
۱۷۱.....	دین اسلام در شاهنامه.....
۱۷۱.....	دین زردشتی و آیین مزدایی در شاهنامه.....
۱۷۳.....	دین مسیحی در شاهنامه.....
۱۷۳.....	دین یهودی در شاهنامه.....
۱۷۴.....	اشاره به دین مانی و مزدک در شاهنامه.....
۱۷۵.....	وحدت ادیان در شاهنامه.....
۱۷۸.....	فصل سوم: هویت تاریخی.....
۱۸۶.....	فصل چهارم: هویت جغرافیایی.....
۱۸۹.....	تعریف مرز جغرافیایی.....
۱۸۹.....	پیشینه تعیین مرزهای جغرافیایی و نام ایران در شاهنامه.....
۱۹۳.....	مرزهای جغرافیایی ایران زمین در شاهنامه.....
۱۹۳.....	مرزهای شمال شرقی.....
۱۹۵.....	مرز شرقی.....
۱۹۵.....	مرزهای غربی.....
۱۹۶.....	مرزهای شمال غربی.....
۱۹۶.....	مرزهای جنوبی.....

۱۹۷.....	یکپارچگی سرزمین و انگیزه برای دفاع از مرزهای آن
۱۹۹.....	ایجاد نگرش مثبت به سرزمین خود
۲۰۲.....	فصل پنجم: هویت سیاسی
۲۰۴.....	نگرش شاهنامه نسبت به چگونگی تشکیل دولت و ملت
۲۰۹.....	پیوند میان هویت دینی و هویت سیاسی
۲۱۴.....	نظام سیاسی مجلس محوری یا شورایی
۲۱۵.....	پیامدهای نابودی حکومت و نظام سیاسی
۲۱۸.....	نگرش به چگونگی اداره امور کشور
۲۲۰.....	پایه‌ها به عنوان نماد حکومت و نظام سیاسی
۲۲۳.....	بهترین نوع حکومت و بهترین حاکم
۲۲۴.....	پایه‌های نظام سیاسی و حکومت آرمانی در شاهنامه
۲۲۴.....	خردورزی
۲۲۵.....	مشروعیت یا فقه ایزدی پادشاه
۲۲۵.....	دادگری
۲۲۶.....	دفاع از ایران
۲۲۶.....	برتری نژادی حاکمان بر اساس اصول انسانی
۲۲۷.....	پیوند دین و سیاست
۲۲۹.....	فصل ششم: هویت زبانی
۲۳۲.....	وضعیت زبان فارسی در روزگار سرایش شاهنامه
۲۳۳.....	نقش شاهنامه در تداوم حیات زبان فارسی
۲۳۹.....	فصل هفتم: هویت قومی و نژادی
۲۳۹.....	پیشینه برتری نژادی
۲۴۰.....	ویژگی‌های نژاد ایرانی از دید شاهنامه
۲۴۳.....	نکوهش و ویژگی‌های بد و ستایش و ویژگی‌های خوب نژادهای غیر ایرانی
۲۴۶.....	دلایل برتری نژاد ایرانی در شاهنامه
۲۴۸.....	نژاد عرب و ترک در شاهنامه
۲۵۱.....	نژادها و اقوام دیگر در شاهنامه

۲۵۴	فصل هشتم: هویت اقتصادی
۲۵۴	سیر تکاملی حیات اقتصادی در شاهنامه
۲۵۷	تشکیل طبقات اقتصادی در شاهنامه
۲۵۹	معرفی مشاغل و ویژگی‌های آنها در شاهنامه
۲۶۱	انواع مشاغل در شاهنامه
۲۶۲	آموزگاری
۲۶۲	پزشکی
۲۶۲	ستاره‌شناسی
۲۶۲	مهمترین مشاغل در شاهنامه
۲۶۲	مویدی
۲۶۳	وزارت و دبیر
۲۶۴	نظامی‌گری در شاهنامه
۲۶۵	پاسبانی
۲۶۵	منادی‌گری
۲۶۵	مشاغل مردم عادی در شاهنامه
۲۶۵	بازرگانی
۲۶۷	کشاورزی
۲۶۸	باغداری
۲۶۹	حمایت پادشاهان از طبقه‌هایی با درآمد کم
۲۷۰	دامپروری
۲۷۳	فصل نهم: تجلی هویت ملی در شاهنامه

بخش چهارم - نتیجه‌گیری

۲۸۱	نتیجه‌گیری
۲۸۳	مؤلفه هویتی فرهنگ
۲۸۴	مؤلفه هویتی دین
۲۸۵	مؤلفه هویتی تاریخ
۲۸۶	مؤلفه هویتی جغرافیا

۲۸۷	 مؤلفه هویتی سیاست
۲۸۸	 مؤلفه هویتی زبان
۲۸۹	 مؤلفه هویتی قوم و نژاد
۲۹۰	 مؤلفه هویتی اقتصاد
۲۹۱	 سخن فرجامین
۲۹۹	 منابع

www.ketab.ir

مقدمه

امروزه مسئلهٔ هویت و پیچیدهٔ هویت، از مشغله‌ها و دغدغه‌های فکری بسیاری از متفکران دینی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی دولتمردان و هنرمندان شده است. چالشهای هویتی، امروزه به نوبت سازند. هویت پیش شرط هر نوع عمل، به‌ویژه عمل اجتماعی و شرط لازم توسعه است. داشتن یک هویت مشخص و مستقل برای افراد یک کشور، نه تنها عنصر اصلی زندگی افراد تلقی می‌شود؛ بلکه به زندگی فردی و اجتماعی انسان معنی می‌دهد و آن را از پویایی خاصی برخوردار می‌نماید. شرط اصلی دستیابی به توسعه پایدار در هر کشور تربیت نیروی انسانی کارآمد با گرایشهای لازم فرهنگی، اجتماعی و ... است.

تلاش برای ایجاد هویت ملی، بر بنیانهای فرهنگی، تاریخی، دینی و یا حتی سیاسی و ساختن ملتی واحد از اجتماعات متنوع، مسائلی را پدید آورده که تقریباً در تمام کشورهای دنیای امروز، دامن‌گیر دولتهاست. از این‌رو، بحث هویت و مؤلفه‌های آن از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و جامعه‌شناسان بوده و به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین مباحث جامعه‌شناسی، به‌ویژه جامعه‌شناسی سیاسی در کانون پژوهشها قرار گرفته است. محور این پژوهشها نیز بر این پایه بوده که نشان دهند «هویت» به‌عنوان یک پدیدهٔ سیاسی و اجتماعی، نوزاد عصر جدید و به‌عنوان یک مفهوم علمی از ساخته‌های تازهٔ علوم اجتماعی است که از نیمهٔ دوم قرن پیشین، به جای «خلق و خوی فردی، جمعی یا ملی» رواج یافته است؛ اما با وجود این گرایش مسلط،

کمتر اندیشمندی در این واقعیت تردید روا می‌دارد که آدمی از آن زمان که به صورت انسانی و اجتماعی درآمد، همواره دل‌مشغول هویت فردی و جمعی خویش بوده است؛ چراکه بدون ایجاد هویت فردی، هویت اجتماعی و ملی پدید نمی‌آید.

دنیای امروز، ضرورت انجام «پژوهشهای بین‌رشته‌ای» و خلأ وجود علوم جدیدی را که بدین هدف سمت و سو بخشند، به‌خوبی درک نموده و با ایجاد شاخه‌های «علمی - تلفیقی» به این نیاز پاسخ گفته است. از تازه‌ترین این رشته‌ها، «دانش کاربردی» و پویای «جامعه‌شناسی ادبیات» یا تحلیل محتوای آثار ادبی از دید جامعه‌شناسانه است که از رهگذر آن می‌توان به ژرف‌کاوی و بررسی دقیق و جزء به جزء محتوای آثار ادبی دست یافت. هدف اصلی جامعه‌شناسی ادبیات، در شناخت و تبیین پیوند - پیچیدگی و پویای آثار ادبی با زمینه‌های اجتماعی است. در این تعریف، هدف از بررسی آثار ادبی، استخراج، طبقه‌بندی، توصیف و «تحلیل پیام» و مضامین اجتماعی - سیاسی، فرهنگی، تاریخی و ... است که آثار ادبی به مخاطبان خود انتقال داده‌اند.

در این شیوه، بیشتر اناری ادبی بررسی می‌شوند که در آنها واقعیات مسائل اجتماعی و آگاهی جمعی و «تاریخ اجتماعی» به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بیان می‌شوند. از این رو، این آثار، ارزش جامعه‌شناختی بسیار بالایی دارند. معمولاً مسائل اجتماعی مطرح شده در آثار ادبی، در روستاها و کادای نیز در ژرف‌ساخت اثر یافت می‌شوند و نیاز به استخراج آنها از بطن آثار ادبی است.

در عصر کنونی با پیشرفت چشمگیر در عرصه ارتباطات، اطلاعات و نفوذ بسیار گسترده الگوهای مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، همراه با هجوم انبوهی از اطلاعات، ارزشها و الگوها روبه‌رو هستند و مسلماً هویت، به‌عنوان مجموعه‌ای از عواطف، احساسات، ارزشها، تعلقات و وابستگی‌ها، در این مسیر، دچار تحولات مهمی خواهد شد. زمانی که افراد از هویت‌های گذشته خود جدا شده و به هویت‌های جدید نیز نمی‌توانند بپیوندند، دچار بلا تکلیفی و سردرگمی می‌شوند. در این وضعیت، افراد با پرسش‌هایی از قبیل: ما که بوده و هستیم و چه باید باشیم، روبه‌رو خواهند شد. این حالت بلا تکلیفی و سردرگمی یا به عبارت بهتر، «بحران هویتی» زمینه لازم را برای آسیب‌پذیری جامعه و مردم، در برابر عوامل خارجی و نفوذ «فرهنگ‌ها» و هویت‌های

مختلف فراهم می‌سازد.

بر کسی پوشیده نیست که سرزمین ما ایران، از نظر «فرهنگ» و «تمدن» از غنای فراوانی برخوردار است. در حال حاضر با تهاجم فرهنگی، «جهانی‌شدن» و سیطره مفاهیم «مدرنیته» بر ساحت فردی و اجتماعی جامعه ایران، ضرورت استفاده از آثار ادبی و فرهنگی ایران را به‌عنوان میراث ادبی و فرهنگی در تکوین و بازایی «هویت ملی» ایرانیان دوجندان ساخته است. در عصری که تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، با شتاب زیادی در حال تکوین است و درحالی‌که پدیده جهانی‌شدن و جهانی‌سازی، مضمّن و حذف فرهنگ‌ها و هویت‌های ملی را نشانه گرفته است، فرهنگی که هویت ملی خویش را حفظ و تقویت نماید، پایدار می‌ماند. هویت ملی می‌تواند میراث فرهنگی یک ملت باشد؛ چراکه میراث فرهنگی هر ملت، بیانگر هویت فراموش‌نشده آن ملت است؛ بنابراین، برای ایرانیان که دارای هویت ملی دیرین و ریشه‌داری هستند، شناخت هویت ملی موجب آگاهی و تسلیم‌نشدن در برابر هویت‌های مهاجم می‌گردد.

بدیهی است که نقش عناصر و ساختارهای متعدد فرهنگی، اجتماعی و ملی در تکوین و تداوم روند نوسازی هویت ملی بسیار حیاتی است. برای آنکه به کار شناخت و حفظ هویت ملی پردازیم، باید میراث سرزمین خود را به‌خوبی بشناسیم و بدانیم که از چه سخن می‌گویید؛ چراکه میراث‌های فرهنگی و تاریخی هر ملت، نشانه‌هایی از تاریخ، هویت و فرهنگ آن به‌شمار می‌روند که روح آن ملت در خود آنها متجلی می‌گردد. از این‌رو، هویت هر ملت، عامل مؤثری در جهت شناخت خویش و شناساندن خود به دیگران است. اگر ملتی هویت خود را به دست فراموشی بسپارد، راهی جز «تقلید» از بیگانگان در پیش رو نخواهد داشت؛ البته باید توجه داشت که جوامع بر هم تأثیرگذاری و تأثیرپذیری فرهنگی دارند که می‌تواند به پیشرفت و بالندگی آنها بینجامد؛ ولی تقلید فرهنگی، به خودباختگی در برابر فرهنگ‌های مهاجم می‌انجامد و هویت جامعه را از بین می‌برد.

از این‌رو، ما باید با تلاش و کوشش از هویت سرزمین خویش، به مثابه بخشی از سرمایه‌گذاری، برای ساختن آینده‌ای پربار و سودمند، استفاده نماییم. باید به این امر آگاهی داشته باشیم که پایه‌گذاران فرهنگ و هویت ایرانی، مردمی بوده‌اند سخت‌کوش

و آگاه به راز و رمز طبیعت و محیط پیرامون خود. آنها یک دم از اندیشیدن درباره جهان و آنچه در آن است، بازنیستادند؛ بنابراین یکی از سرمایه‌های نخستین و بنیادین هر جامعه‌ای، مسئله هویت و ملیت آن است. سرمایه‌ای که بدون آن، حیات جامعه با خطرهای گوناگون و روزافزون، روبه‌رو می‌شود و در نهایت به ضعف و سستی می‌گراید. احساس هویت، درون یک ملت و جامعه، نشانه اعتماد گسترش‌یافته، رضایت و تجربه زندگی کردن در یک زیست‌بوم فرهنگی مشترک است. بدون تجربه‌های مشترک، هویت فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی شکل نمی‌گیرد. از این رو نویسنده ملی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و مقدمه‌ای لازم برای بقا و تداوم حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است و ضعف در ابعاد و مؤلفه‌های هویت‌ساز آن، در نهایت به صله گرفتن مردم یک سرزمین از یکدیگر و از دست رفتن و تضعیف احساس هم‌سرزمینی می‌گردد. بنابراین، هویت ملی فرایندی است که پیوسته نیازمند بازتولید است تا تواند نیازهای روز جامعه را برآورده سازد (زمانیان، ۱۳۸۶: ۳۹۹). هر ملتی که خواستار توانمندی و اقتدار ملی است و نمی‌خواهد تا در برابر دیگر فرهنگ‌ها سر تسلیم فرود بیاورد، به ملت ملی خویش را ببازد، باید بر توانایی‌های فرهنگی و تاریخی خود تکیه کند و با شناختن واقع‌بینانه از آنها بهره بگیرد. امروز کمتر جامعه‌ای را می‌توان سراغ داشت که برای دستیابی به توسعه همه‌جانبه، تکیه بر هویت فرهنگی و ملی خود را اساس کار نداند.

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند پروژه جهانی‌شدن با هدف یکسان‌سازی و همسان‌سازی فرهنگی، درصدد تحمیل شیوه زندگی غرب بر سایر جوامع و تسلط همه‌جانبه غرب و فرهنگ غربی بر جهان است، تا از طریق ازخودبیگانگی و خودباختگی سایر ملتها (به‌ویژه کشورهای در حال توسعه) در برابر فرهنگ غربی، آنها را به تسلیم در برابر ابزارهای تبلیغی و ارتباطی خود وادار کند. در برهه‌های حساس تاریخ یک ملت، در هنگامه هجوم اقوام مهاجم، در تقابل نیروهای داخلی و در گم‌گشتگی‌های فرهنگی و سیاسی، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های تأثیرپذیر موضوع «هویت ملی» است. در این میان، آنچه پیوند میان ملتی را استوار می‌سازد، نیرویی توانمند به نام «هویت ملی» است. هویت هر ملت، وامدار پیشینه فرهنگ، اندیشه‌ها، آمال و آرزوها، اراده و خواست آن ملت در دوره‌های متمادی تاریخ است

(مرادی کوچی، ۱۳۸۶: ۲). عده‌ای از صاحب‌نظران معتقدند که فرایند «جهانی‌شدن»، با تجزیه کردن هویت‌های ملی، موجب ایجاد تنش‌های سیاسی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه و از دست رفتن یکپارچگی و وحدت ملی و نظام‌های سیاسی آنان خواهد شد (گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۰: ۸). از این رو، بر همه ماست که میراث پراچ ادبی و فرهنگی خود را پاس بداریم و برای شناخت تاریخ، فرهنگ و هویت خود، به احیا و بازسازی آن اهتمام ورزیم؛ بنابراین اندیشمندان جامعه باید بکوشند تا از سازوکارهای لازم برای زنده نگه‌داشتن فرهنگ و هویت ملی و نشان دادن ارزش‌های زندگی ساز آن به جامعه بهره بجویند.

هویت، پاسخ به چیستی و کیستی هر فرد است که در واقع مجموعه ویژگی‌هایی است که هر شخصی را از دیگری، متمایز می‌کند. هویت دارای مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده متفاوتی از جمله هویت دینی، تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و... است. هویت ملی، بالاترین و مهم‌ترین نوع هویت است و به مجموعه ویژگی‌ها، وابستگی‌ها و پیوندهای جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، زبانی، قومی و... گفته می‌شود که زندگی انسانی را دربر می‌گیرد و اعضای جامعه به آن می‌بالند و به آن افتخار می‌کنند. (روح‌الامینی، ۱۳۸۳: ۲۱)

هویت ملی با چنین ترکیب و ویژگی‌هایی، به ناهنجاری‌ها و پیچیده و منحصر به فردی می‌یابد. چون یکی از چالش‌های همیشگی تاریخ ایران بوده است. ملت و کشور ایران - که از جمله ملت‌های دیرپا در طول تاریخ است - همواره در فرایند تاریخی خود، تلاش کرده هویت و موجودیتش را در برابر اقوام و ملل دیگر، حفظ نماید.

سرزمین ایران در دوران حکمرانی خلیفه دوم با هجوم تازیان روبرو گردید. ایرانیان که از وجود اختلاف طبقاتی در دوران ساسانی (داستان کفش‌گر و خسرو انوشیروان در شاهنامه) به تنگ آمده و از سختگیری‌های موبدان زرتشتی نیز ناراضی بودند، مفاهیم دین جدید اسلام، مانند عدالت، تقوا، برادری و مهربانی را با آرمان‌های خود همسو دیدند و با آغوش باز دین اسلام را پذیرفتند. با ورود تازیان به ایران و سپس در دو، سه قرن اولیه اسلامی، آمدن ترکان به ایران و تشکیل حکومت‌های ترک‌نژاد، جامعه ایرانی دچار بحرانهایی در زمینه مسائل کشوری، لشکری، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شد. تعارض میان شیوه کشورداری ایرانی با تازیان و ترکان و ناآشنایی

فرمانروایان بیگانه با آداب مملکت‌داری ایرانی، همگی زمینه‌سازی بحرانهای جدی در زمینه شیوه حکومت کردن در کشور را فراهم کرد. افزون بر آن این تهاجمات، در حوزه مسائل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی و سایر حوزه‌ها، بحرانهایی را در تمامی زمینه‌ها به وجود آورد که مهمترین آن بحران هویت ملی در میان ایرانیان بود؛ چراکه ایرانیان هویت خویش را بر اثر این حملات از دست داده و هویت تازیان و ترکان را نیز نپذیرفته بودند. گفتنی است ایجاد این بحرانها، انگیزه ایرانیان را برای تلاش بیشتر در جهت نشان دادن دانش، فرهنگ و تمدن ایرانی به اقوام مهاجم افزایش داد. سبب تألیف کتابهای بسیاری در زمینه‌های مختلف شد که ابن ندیم، نام آنها را در فهرست خود ذکر کرده است، ولی متأسفانه امروز اثری از آنها در دست نداریم. در قرن چهارم جنسی در میان ایرانیان پدید آمد که به بازسازی تاریخ و هویت ملی و فرهنگی سرزمین ایران، اجماع و این جنبش، بازسازی داستانها و اسطوره‌های ایرانی بود که شاعران و نویسندگان ایرانی هر کدام به سهم خود کوشیدند به دفاع و صیانت از حریم هویت ملی ایرانیان بپردازند و اوج آن را در کتاب ارزشمند و شاهکار بزرگ فردوسی توسی می‌بینیم؛ چراکه همانند اَصیل و ریشه‌دار ایرانی بود و با پیشینه تاریخی و فرهنگی ایران به‌خوبی آشنا بود؛ افزون بر آن، به منابع تاریخی نیز دسترسی داشت. از این رو، شاهنامه در این دوره پرالتما، وظیفه بازسازی و روایت تاریخ ایران باستان و انتقال آن به دوره بعد از اسلام را بر عهده گرفت؛ بنابراین شاهنامه محصول دوره‌ای است که مردم ایران زمین از یک سو تحت فشار تازیان بودند که ایرانیان را عجم می‌خواندند و از سوی دیگر، مورد تهاجم ترکان آسیای مرکزی قرار داشتند. در این شرایط بهترین نوع ادبیات، ادبیات حماسی بود که بتواند ایرانیان را متحد نماید و آنان بتوانند شخصیت منکوب و درهم‌شکسته خویش را التیام بخشند. روشی که فردوسی برای بیان اندیشه‌ها، عواطف و احساسات خود به کار گرفت، سبب شد که ایرانیان عظمت از دست رفته خود را نوسازی کنند و آثار شکست و اندوه را از ذهن و عرصه زندگی خویش پاک نمایند.

بیشتر اندیشمندان حوزه «جامعه‌شناسی» و «ادبیات»، به اهمیت منحصر به فرد شاهنامه فردوسی، در معرفی هویت ملی سرزمین ایرانیان و «مؤلفه‌های» تشکیل‌دهنده آن، اشاره کرده و در این موضوع هم‌عقیده‌اند که اوج شکوفایی بازیابی این هویت را

می‌توان در شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی مشاهده کرد؛ بنابراین می‌توان گفت؛ شاهنامه شاهکار جاویدان فردوسی، بدون شک از منابع اصلی هویت ملی و فرهنگی ایرانیان محسوب می‌گردد. به گونه‌ای که می‌توان آن را معتبرترین سند هویت و شناسنامه ملی ایرانیان دانست؛ چراکه از میان تمام شاعرانی که به زبان فارسی شعر گفته‌اند، تأثیر فردوسی بادوام‌تر از دیگران بوده است. شاهنامه بسان ارزشمندترین گوهر اقیانوس ژرف «ادبیات حماسی» جهان، با بیان گونه‌های بسیاری از مؤلفه‌ها و الگوهای هویت اصیل ایرانیان، حلقه گمشدهٔ تکوین و تداوم این هویت است.

فردوسی در شاهنامه به دنبال آن است تا ویژگی‌های ذاتی ایرانیان، عناصر مربوط به تفکر آنان، الگوهای کلی زندگی ایرانی را در سنت‌های مشترک اجتماعی گرد آورد و با آن، نظم و ترتیبی خاص در رفتار همهٔ اعضای جامعهٔ ایرانی پدید آورد. به بیان کلی‌تر، شاهنامه شاهکاری است که در برابر از هم پاشیدگی هویت ایرانیان مقاومت کرده است؛ از ایجاد شکاف و جدایی‌های قومی و حرکتهای ناهماهنگ که موجب گسست پیوندهای مردم جامعه می‌شود، جلوگیری کرده و از حدود جغرافیایی، تاریخی و ویژگی‌های فرهنگی و هویتی ایرانیان دفاع کرده است. شاهنامه، اثر جاویدان فردوسی، بی‌شک از منابع اصلی هویت ملی ایرانیان است. اگر بگوییم؛ بدون وجود شاهنامه، هویت برجستهٔ ملی ایرانی، با چالش روبه‌رو می‌شد، سخنی به‌گراف نگفته‌ایم؛ چراکه ملت‌های پیش از ما به واسطهٔ نداشتن ستون استواری چون شاهنامه، یا از هم پاشیده‌اند و یا چنان دچار تحول شده‌اند که بارها زبان فرسوده، آیین زندگی و هویت ملی آنها دستخوش تغییر و دگرگونی شده است. شاهنامه، ستون بزرگترین میراث ملی و فرهنگی و تبلور اندیشه‌های ناب ایران، تاریخ گذشته، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های هویت ایرانیان را بازگو نموده است؛ به گونه‌ای که می‌توان امروز آن را آیین تمام‌نمای هویت یا به عبارت دیگر، هویت‌نامهٔ ایرانیان دانست.

محتوای شاهنامه، همراه با درک عمیق آن از ویژگی‌های فرهنگی و زبان شیوای فردوسی، که ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، به تمام معنا در آن انعکاس یافته است، در اقصی نقاط ایران - با پهنهٔ بزرگ فرهنگی خود - گسترش یافته و تا پیش از رواج وسایل ارتباط جمعی امروزی، در زمرهٔ مطرح‌ترین و پرطرفدارترین کتابها در بین خانواده‌های ایرانی بوده است. شاهنامه فردوسی همیشه مورد توجه مردمان از هر طایفه و قوم و

طبقه بوده و نه تنها بخشی مهم از تاریخ این کشور را در خود جای داده، بلکه سبب ثبات و پایداری زبان فارسی و حفظ روحیه ملی در کشور شده و با تأثیرگذاری بر ذهنیت تاریخی و فرهنگی جامعه ایرانی در بازسازی هویت ایرانیان، نقشی تأثیرگذار داشته است؛ بنابراین، می‌توان با بررسی و پژوهش در آن، الگوی اصیل هویت ملی ایرانیان را بازشناسی و بازتولید کرد؛ از آنجا که شاهنامه سند هویت ملی ایرانیان است، لازم است نسبت به شناسایی این میراث اقدام کرد و در فعالیتهای تحقیقی از آن به نفع فرهنگ و هویت ایرانی بهره برد. کارساز ساختن اطلاعات علمی مربوط به این میراث فرهنگی، به توسعه و ترقی تاریخ، فرهنگ و هویت ملی ما کمک خواهد کرد و در زمینه‌هایی چون زبان، امور علمی و پژوهشی ما خواهد بود. صرف اطلاع بر وجود چنین میراث باارزشی، به خودباوری نسل جوان در سایر زمینه‌های علمی نیز کمک خواهد کرد. با بهره‌گیری از چنین میراثی می‌توان به حضوری فعال‌تر از نظر فرهنگی و علمی در سطح جهان اهتمام و پیوند و جایگاه ویژه خویش را در جامعه جهان کسب کرد (خیراندیش، ۱۳۸۴: ۱۷۰). چرا که فردوسی در اثر جاودان خود شاهنامه، به بازتولید هویت ملی ایرانی مبتنی بر پیشینه تاریخی و فرهنگی ایرانیان پرداخته است که در چهار قرن نخستین آمدن تازیان به ایران و رفتادن پادشاهی ساسانی، مجال ظهور نیافته بود.

انجام این پژوهش افزون بر فواید علمی، با گونه‌ای ارج نهادن بر تلاش و کوشش مرد بزرگی است که در دوران بسیار پرمخاطره و حساس ایران زمین، برای نگاهبانی از هویت ملی سرزمین خویش، عمر گرانبه‌ای خود را صرف کرد. در پرتو تلاشها و از خودگذشتگی‌های فردوسی و دیگر بزرگان تاریخ ادب پارسی، برای حفظ هویت و ملیت و با مایه گرفتن از فرهنگ غنی و ریشه‌دار ایرانی بود که ما امروزه به هویت ملی خود می‌بالیم و به آن افتخار می‌کنیم.